نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟!

مصاحبه با حجت‌الاسلام دکتر محمد صابر جعفری

وقتی که سخن از برگزاری جشن یا شادمانی به مناسبت آغاز امامت امام زمان و بیعت با ایشان می‌شود. برخی می­پرسند: معنای این کار چیست؟ مگر در عصر امامان شیعه چنین رسمی بوده است که امامی شهید شده و روز بعد، برای امامت فرزندش شادمان باشند؟ پرسش دیگر اینکه آیا این درست است که عده‌ای قصد دارند با طرح جشن نهم ربیع به عنوان آغاز امامت امام عصر با برنامه‌های دیگر در چنین روزی مقابله کنند؟ و اصولا بیعت با امام یعنی چه و چه ثمره‌ای دارد؟ با امام چه بیعت های باید صورت گیرد؟ بیعت در عصر غیبت چکونه است؟

1. آیا شیعیان برای به امامت رسیدن امامی، جشن می‌گرفته‌اند؟

دو نوع شادمانی برای به امامت رسیدن امام داریم. یک نوع وقتی است که پیامبر، حضرت علی را به عنوان امام معرفی می‌کند. برای این امر، مراسم داشتیم و امامان هم بر آن و بزرگداشت آن تأکید کرده‌اند؛ البته جشنی متناسب با عرف زمانة خودش؛ یعنی وقتی پیامبر، حضرت علی را به عنوان امام در غدیر مطرح می‌کنند که یک حالت عمومی دارد، این همراه خودش، جشن دارد؛ تا چند روز افراد به امیرالمؤمنین تبریک می‌گفتند؛ حتی بعد از این واقعه هم، وقتی کسی خبردار می­شد به آن حضرت تبریک می­گفت؛ چون پیامبر فرموده بودند که حاضران به غایبان بگویند. حاجیانی که به مناطق خودشان برمی‌گشتند و این خبر مهم را به منطقة خودشان می­رساندند، عده‌ای که تازه خبردار می‌شدند باز هم به امیرالمؤمنین تبریک می‌گفتند.

جشن گرفتن در این روز در سیرة علما هم بود است. با اینکه عید قربان و عید فطر از عیدهای اسلامی است؛ اما علاوه بر این دو عید، عید غدیر را بسیار گرامی می‌داشتند.

اما نوع دوم، آغاز امامت، بعد از شهادت امام قبلی است. سیرة اهل‌بیت در این مورد چگونه بوده است؟ اول اینکه طبیعی است که ایشان به مناسبت شهادت امام قبلی، محزون بوده‌اند. شیعیان نزد امام جدید می‌آمدند و ابتدا شهادت امام قبلی را تسلیت می‌گفتند و سپس با امام جدید بیعت می‌کردند. امام با تعابیر مختلف به اینها می‌گفتند خوشحال باشید که با ما هستید و شیعیان هم خوشحال بودند که گمراه نشده‌اند و امام بعدی را شناخته‌اند و مثلاً هفت‌امامی نمانده‌اند؛ به خصوص تا زمان امام رضا که سرآغاز دوازده امامی شدنِ شیعه است؛ یعنی ما هفت‌امامی و شش‌امامی داریم، اما هشت‌امامی نداریم؛ هر کسی امام رضا را پذیرفته است بقیة ائمه را هم قبول کرده و دوازده‌امامی شده است.

البته اهل‌بیت در یک فضای حزنی زندگی می­کردند و می­فرمودند بنی‌امیه برای ما عید نگذاشتند؛ بنابراین سیرة آنها بیشتر به تسلیت‌ و حزن متمایل بوده است.

در تقویم‌های ایران قدیم، این روز به نام تاجگذاری امام عصر مطرح بوده است؛ ولی پس از انقلاب اسلامی، تعبیر تاجگذاری تغییر کرد. این سخن صحیح نیست که کسی بگوید ما در بین علما، کسی را نداشتیم که به نهم ربیع اهتمام بورزد!

2. آیا این نهم ربیع را در مقابل آن نهم ربیع درآورده‌اند؟!

خیر. جشن و شادمانی برای آغاز امامت امام عصر پیش از انقلاب اسلامی هم بوده است و اصلا حادثه دیگری در نهم ربیع نبوده است. خلیفة دوم در اواخر ذی‌الحجه از دنیا رفته است و ربطی به نهم ربیع ندارد؛ البته چون نهم ربیع به روز قتل خلیفة دوم معروف بود، بنابراین برای برخی از سالروز آغاز ولایت امام عصر پررنگ‌تر بود؛ اما به این معنا نبود که آغاز امامت امام عصر مورد غفلت واقع شود؛ البته دست‌هایی در کار است؛ دست‌هایی که می‌خواهند وحدت را برهم بزنند؛ وگرنه کسانی که در نظامِ ما دم از وحدت زدند، از همه بیشتر تبیین‌گر ولایت بوده‌اند، مثل امام راحل؛ این همه از وحدت صحبت کرد، ولی خود امام از همه بیشتر ولایی و مبلغ ولایت بود؛ از همه بیشتر دربارة ولایت امام عصر و ائمه و ولایت امیرالمؤمنین سخن گفت. مقام معظم رهبری هم از وحدت صحبت می­کنند و هم در مورد جایگاه اهل‌بیت، جایگاه برتری امیرالمؤمنین، جایگاه برتری اهل‌بیت صحبت می‌کنند، و یا مجالس و روضه‌هایی که در بیت خودشان برگزار می‌کنند، هیچ‌کدام منافاتی با بحثِ وحدت ندارد؛ اما برخی از آدم‌هایی که دم از وحدت می‌زنند، فحش هم می‌دهند، لعن هم می‌کنند؛ هیچ موفقیتی در جهت ترویج و تبلیغ مکتب اهل‌بیت و ترویج شیعه نداشته­اند.

3. بیعت چیست؟

‌بيعت از بيع می­آید به معناي معامله و خرید و فروش؛ قرآن مي­فرمايد: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاء مَرْضَاتِ اللّهِ؛[[1]](#footnote-1)برخی از مردم هستند که جان خودشان را برای رضای خداوند متعال می­فروشند». و یا تعبيري كه در مورد انسان وجود دارد اين است: انسان در يك نوع معامله قرار دارد، «وَالْعَصْرِ؛ إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ»؛ انسان در سود و زيان است. وقتي دنيا مزرعه شد، انسان دائم در حال معامله است و در سود و زيان است و دائم دارد از او كم مي‌شود و خسر يعني همين.

اگر انسان در معامله و سود و زيان است، دين، بيعِ او را جهت مي‌دهد و جهت­دهی آن، بيعت با امام است. در واقع كار دين جهت‌دهي به معاملات انسان است؛ جهت‌دهي به اينكه تو زندگی‌ات را، فكرت را، ذكرت را، وقتت را، قلمت را، عُلقه­هایت را، دغدغه­هایت را و هزينه­هاي مالي‌ات را براي چه مصرف كني؟ اگر جهت ندهي، خُسر است، مثل يخي كه دارد آب مي‌شود سرمایه­هایت هم دارد نابود می­شود. دين جهت مي­دهد که سرمایه­های وجودت را به چه كسي بفروشي. امام علی مي‌فرمايد: « إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا **[[2]](#footnote-2)**؛ قیمت جان شما بهشت است، پس نفروشید آن را مگر به بهشت.» تازه اين بهاي جان شماست و بالاتر از اين روح شماست که بهاي آن، خود خداست. پس حالا كه قرار است جان ما برود، براي كه و براي چه برود؟‌ چه بخواهيم و چه نخواهيم اين جانمان دارد رایگان مي‌رود. چه خوب است که اين جانمان را به دست كسي بسپاريم كه هم خوب مديريت مي­كند و هم دوستمان دارد.

بيعت اين ثمره را هم دارد که وقتي فهميدي طرف حسابت امام حسين یا امام عصر است، رفتارت، زندگي‌ات، برخوردت، همه به او بيشتر متمايل مي‌شود.

4. آیا این بیعت سابقه داشته است؟

چنانکه گفتیم، تجدید عهد و پیمان و بیعت با امام، سابقه داشته است؛ به عبارت دیگر، سیر زندگی اهل‌بیت اینگونه بوده است که هرگاه امامی به شهادت می‌رسید، شیعیان نزد امام بعدی می‌آمدند و عرض ارادت می‌کردند و ضمن عرض تسلیت شهادت امام قبلی، با امام جدید هم تجدید عهد و بیعت می‌کردند؛ حتی امامان قبل از شهادت، برای امام بعد از خود نیز از مردم بیعت می­گرفتند؛ مثلاً پيامبر اسلام، در غدیر خم نسبت به حضرت علی از مردم بیعت گرفتند و فرمودند: «من كنت مولاه فهذا علی مولاه»، بعد دستور دادند که همگان بر قبول ولایت و وفاداری نسبت به آن با امیرالمؤمنین بیعت کنند، به نقل تاریخ سه شبانه‌روز طول کشید تا همگان توانستند با علی بیعت کنند؛ حتی خانم‌ها هم با قرار دادن دستشان در ظرف آبی با آن حضرت بیعت کردند و یا پيامبر فرمود: «**سَلِّمُوا عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلاَمُ** بأميرالمؤمنين (**بِإِمْرَةِ اَلْمُؤْمِنِينَ**)**[[3]](#footnote-3)**؛ به حضرت علي به عنوان اميرالمؤمنين سلام دهيد». گاهي وقت‌ها پيامبر يا امام، نسبت به امام بعدي، از افراد عهد و پيمان خصوصي و عمومي مي‌گرفتند. جالب اینکه گاهی هم برای خودشان از مردم عهد و پیمان و بیعت می­گرفتند؛ مثلا پیامبر اسلام از مسلمانان همراه خویش بیعتی گرفت که بعدها «بیعت رضوان» نامیده شد. ائمه هم براي امامت خودشان از مردم بيعت مجدد مي‌گرفتند یا متذکر بیعت گذشته می‌شدند. رواياتي كه «**انشدكم الله**»[[4]](#footnote-4) دارد به اين موضوع برمي‌گردد. حضرت علي چند بار متذکر بيعت مي‌شوند؛ امام حسين نیز يك سال پیش از واقعة عاشورا در مِني، یادآور بيعت مي‌شود و وقتي امام حسين و حضرت علي از مردم مي‌خواهند و جواب نمي‌دهند، آنها را نفرين مي‌كنند. «انشدكم الله»، شما را به خدا قسم مي‌دهم كه شما نبوديد كه پيامبر فرمود: «اولی بكم من انفسكم»؟ چهار پنج تا از صحابة پيامبر مي‌گويند ما پيرمرد شديم و يادمان نمي‌آيد كه حضرت آنها را نفرين مي‌كند. اين نكته مهم است كه گاهي وقت‌ها امام، جامعه را به آن بيعت با خود متذكر مي‌شود.

بنابراین با نزدیک شدن به ایام نهم ربیع‌الاول، آغاز امامت یگانه منجی عالم بشریت و سخن از بیعت با امام زمان؛ برای کسی احساس غریبی پیش نیاید؛ زیرا تجدید عهد و بیعت براي جريان امامت امام چیز عجيبی نيست.■

5. بیعت چه اثری برای ولی خدا و اهداف او دارد؟!

بیعت زمینه بازشدن دست ولی خدا در اهداف را ایجاد می کند. اصلا بیعت و وفای به بیعت، باعث تحقق جامعه و حکومت دینی میشود یعنی با بیعت مردم یثرب، پیامبر از مکه به آنجا هجرت کرده و جامعه نبوی و حکومت اسلامی را محقق کرد یا در سوره فتح آمده ؛ بیعت با پیامبر و تسلیم او شدن و جانفشانی در این راه است که فتح مبین را تحقق بخشید. منتها دو نوع بیعت لازم است و یکی کافی نیست

6. يعنی باید دوبار بیعت کنیم؟!

یعنی دو نوع بیعت کنیم . مردم یثرب که بعدها اسمش مدینه شد ؛دو نوع بیعت با پیامبر کردند:

**سال دوازدهم بعثت** در میان سختی های شدید مردم مکه و بعد رحلت حضرت خدیجه و حضرت ابو طالب ، شدت سختی ها و شکنجه ها بر پیامبر و مسلمانان بسیار شده بود. خطر شهادت پیامبر خدا مطرح بود. دوازده نفر از یثرب آمدند در منطقه جمرات مکه با پیامبرگرامی خدا بیعت کردند؛ اما با بیعت آنان پیامبر هجرت نکرد مفاد بیعت نامه شان اخلاقي بود.:

«براى خدا شريكى قائل نشوند، دزدى نكنند، مرتكب زنا نشده، پاکدامن باشند ، فرزندان خود را نكشند، بهتان و افترا نزنند، در كارهاى نيک، نافرمانى پیامبر را نكنند» (بیعت عقبه اولی به «بیعة النساء» معروف گشت؛ احتمالاً به این جهت بود که بيعت ايشان نظير بيعتى بود كه پيامبر خدا با زنان بود ) [[5]](#footnote-5)

اما **سال سیزدهم** با هدایت های مصعب بن عمیر فرستاده پیامبر ، هفتاد مرد و دو زن از اهالی یثرب با پیامبر بیعت کردند و پیمان بستند که از ایشان دفاع کنند.[[6]](#footnote-6) این پیمان به «عقبه دوم» معروف شد و پس از آن بود که مسلمانان هجرت به مدینه را آغاز کردند. اما مفاد بیعت متفاوت بود. این بیعت به «حرب» نام گذاری شد. «بیعت جانفشانی». اینکه با جانشان از پیامبر دفاع کنند به تعبیری « **سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم**؛ من در سلم و در صلحم با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با کسی که با تو در حنگ است »

این دو بیعت، هردو لازم است و تحقق هر دو، زمینه تسلط ولی خدا را فراهم می آورد .

بیعت اخلاقی اول لازم است چون اگر نباشد؛ انسان با ولی خدا سنخیتی **ندارد** « من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر ؛ هر کس دوست دارد از یاران امام قائم (عج) باشد، باید منتظر بماند و با پرهیزکاری و اخلاق نیکو عمل کند در حالی که منتظر است . »[[7]](#footnote-7)

اما این بیعت کافی نیست. بیعت دوم که شد پیامبر به یثرب هجرت کردند بیعت دوم و متعهد بودن به آن اگر نباشد ولی خدا تنها می ماند برای امام زمان و ظهور او هم خوب بودن لازم ولی کافی نیست. جانفشانی و لو به اندازه یک تیر و سهم آمادگی فداکاری شرط است.

7. چرا هر ساله تجدید بیعت می کنیم؟!

در سختی ها و حوادث، افراد با ولی خدا تجدید بیعت می کردند ماجرای حُدیبیّه را ببینید پیامبر از مردم خواست دوباره بیعت کنند. شد بیعت رضوان [[8]](#footnote-8)و آن فتح مبین را رقم زد. یا وقتی امیرالمومنین با فتنه طلحه و زبیر مواجه شد و بهانه آنان برای بجا آوردن عمره، از آنان خواست باید دوباره بیعت کنید. ما با حوادث مختلف و فتنه‌ های متفاوت آخرالزمان مواجه ایم و تکرار این بیعت ها، ما را مستحکم تر می کند

8.آیا اهلبیت به بیعت ها هم با افراد احتجاج کرده اند؟

بله چنانکه گفته شد اهلبیت ؛ حضرت امیرالمومنین، امام حسین و... به بیعت احتجاج کرده اند. یا مثلا حضرت زهرا موقعی که با انصار و مهاجر سخن می گفت در آغاز انحراف سقیفه، به آنان یادآور می‌شد که شما با پیامبر بیعت کردید که مدافع او و اهلبیت اش باشید. چرا الان کوتاهی می کنید؟! يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ انْصُرُوا اللَّهَ فَإِنِّي ابْنَةُ نَبِيِّكُمْ وَ قَدْ بَايَعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ ص يَوْمَ بَايَعْتُمُوهُ أَنْ تَمْنَعُوهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَ ذَرَارِيَّكُمْ فَفُوا لِرَسُولِ اللَّهِ ص بِبَيْعَتِكُمْ **[[9]](#footnote-9)**؛ حضرت  فاطمه زهرا می فرمود: ای مهاجران و ای انصار. خدا را یاری کنید. من دختر پیامبر شما هستم. شما در روزی که با رسول خدا بیعت کردید متهعد شدید که از آن چیزی که خود و فرزندانتان را حفظ می کنید او و فرزندانش را نیز محافظت کنید. پس حالا به بیعتتان با رسول خدا عمل نمایید

9. بیعت یعنی جانفشانی برای شخص امام، ارتباط این مطلب با ولی فقیه و عصر غیبت چیست؟

**یک. بیعت با امام زمان**  **، بیعت با نائب او را هم شامل است**  : مفاد «بیعت حرب» جانفشانی برای ولی خدا و اهل او و هر آنچه او مد نظر دارد است چنانکه در بیعت اخلاقی هم بیعت بر اطاعت ولی خداست پس بیعت کننده با امام زمان:

اولا: مطیع اوست و دستورات امام را باید اطاعت کند. دستور امام درباره پیروی از نائب او و فقیه را هم اطاعت می کند

ثانیا: جانفشان امام و اهداف و هر آنچه مربوط به اوست خواهد بود پس جانشان فقیه و نائب امام هم خواهد بود.

**دو .** **بیعت با فقیه در ادامه بیعت با امام است :**

همانطور که در ادامه بیعت با پیامبر ؛ بیعت با جانشبنان پیامبر و ائمه اطهار لازم است . در عصر غیبت و در ادامه در ادامه بیعت با امام زمان ، این دو بیعت برای فقیهِ دارای ولایت نیز، صادق است؛ یعنی با ولی فقیه، هم باید بیعت اول را داشت. رفتار درست فردی و اجتماعی همراه با اطاعت از ولی فقیه وهم «بیعت حرب و جانفشانی»، حفظ و دفاع و سِلم و حَرب را ،و الّا فقیه در عصر غیبت نمی تواند اهداف الهی و وظایف خود را محقق کند و دشمنانِ جامعه دینی و مؤمنان و دین را نابود خواهند کرد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج

1. . سورهمبارکه بقره،آیه 207 [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، حكمت 456. [↑](#footnote-ref-2)
3. . بحار الأنوار  ج۳۶ ص۱۴۸ [↑](#footnote-ref-3)
4. . بحار الأنوار ،ج‏35، ص: 267وكمال الدين و تمام النعمة، ج‏1، ص: 275 از امیرالمومنین ؛ الأمالي( للصدوق)، النص، ص: 159؛ از امام حسین... [↑](#footnote-ref-4)
5. . السیرة النبویة، ج 1، ص 433. [↑](#footnote-ref-5)
6. . تاریخ ابن خلدون‏)، تحقیق، خلیل شحادة، ج 2، ص 418 [↑](#footnote-ref-6)
7. الغيبة للنعماني،ص 200 ،باب 11 . [↑](#footnote-ref-7)
8. . بیعت رضوان یا بیعت شجره، پیمان دوباره جمعی از صحابه با پیامبر(ص) است که در سال ششم هجری در نزدیکی مکه و قبل از صلح حدیبیه انجام گرفت. آیه ۱۸ سوره فتح به این واقعه اشاره کرده و نام بیعت رضوان و بیعت شجره نیز از همین آیه گرفته شده است. (همراهان پیامبر در برابر اقدام‌های احتمالی قریش متعهد شدند پیامبر(ص) را تنها نگذاشته، در برابر آنها استقامت کنند) [↑](#footnote-ref-8)
9. . الإختصاص، النص، ص: 184 [↑](#footnote-ref-9)